

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

تکرار اشتباهات روحانی

چند روز دیگر عمر دولت چهاردهم به ریاست مسعود پزشکیان به دو سال می‌رسد؛ اما میزان محبوبیت او با این دوره به نسبت کوتاه نسبتی ندارد و طبق گزارشات مقامات دولتی در یک سرآشویی تند افتاده است. هرچند روال دولت‌های پس از انقلاب، معمولاً با توفیق نسبی و محبوبیت روسای جمهور در ادوار نخست ریاست جمهوری‌شان همراه بود و در دولت‌های دوم شکست و یا ناکامی سیاست‌ها ظهور و بروز داشت، این نسبت در خصوص دولت پزشکیان صدق نمی‌کند؛ تشدید تورم و اوضاع وخیم اقتصادی و معیشتی و همچنین تحمیل دو جنگ بر کشور و تبعات آن کار را به جایی رسانده که طبق گزارش دستیار اجتماعی رئیس دولت، محبوبیت پزشکیان نسبت به دو سال قبل به نصف رسیده است.

۲



بازی خطرناک با بنزین



۴



تنها گزینه؛ مقاومت به مثابه امکان تاریخی

۲

رویای فرهنگی بن سلمان به باد می‌رود؟

۸



توقف آتش یا فرصت تنفس به دشمن؟

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

وقتی واشنگتن از توقف آتش سخن می‌گوید و نه آتش بس، در واقع بیش از آنکه به دنبال پایان درگیری باشد، در پی خریدن زمان برای بازسازی توان نظامی خود است. تفاوت این دو مفهوم صرفاً یک بازی لفظی نیست. آتش بس به معنای توافقی متقابل برای پایان مخاصمه است، اما توقف آتش، تصمیمی یک جانبه و موقتی است که هر لحظه می‌تواند به اراده طرف مقابل پایان یابد. تجربه رفتار آمریکا در منطقه نیز نشان داده است که این کشور هرگاه در موضع ضعف قرار گرفته، از تاکتیک وقفه عملیاتی برای ترمیم توان خود بهره برده و پس از بازیابی ظرفیت، دوباره به مسیر فشار و تهدید بازگشته است.

متن کامل در صفحه ۶

صفحه ۱۱

سیاست خارجی

ابتکار عمل را پس بگیرد

یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که پس از تحولات اخیر مطرح شده این است که آیا روند جنگ و آتش بس باید بر اساس منافع و محاسبات ایران تعیین شود، یا بر مبنای تصمیمات و تاکتیک‌های طرف مقابل؟ چرا ایران برای تغییر روند اشتباه حاکم اراده جدی نشان نداده است؟

صفحه ۵

اقتصادی

برق صنایع همچنان قطع می‌شود

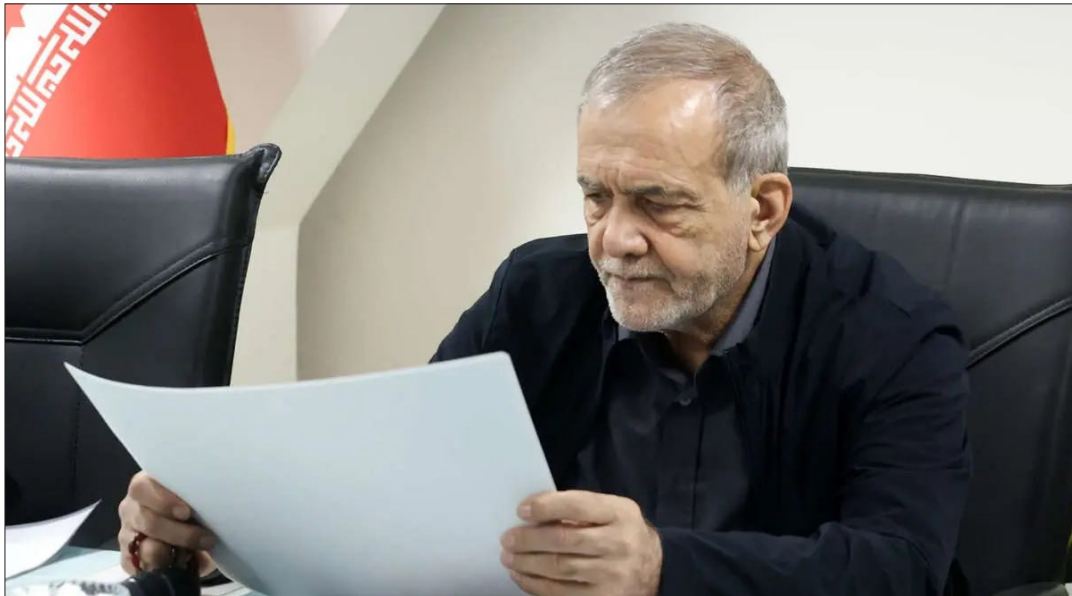
دولت چهاردهم وعده داده بود برق صنایع در ماه‌های مرداد و شهریور قطع نخواهد شد، اما آنچه در عمل رخ داد با این وعده فاصله زیادی دارد. واقعیت این است که برخی صنایع با قطعی هرروزه مواجه هستند.

نظرسنجی اخیر رییعی دستیار رئیس جمهور از سقوط آزاد محبوبیت پزشک‌یان حکایت دارد

تکرار اشتباهات روحانی

و یا ناکامی سیاست‌ها ظهور و بروز داشت، این نسبت در خصوص دولت پزشک‌یان صدق نمی‌کند؛ تشدید تورم و اوضاع وخیم اقتصادی و معیشتی و همچنین تحمیل دو جنگ بر کشور و تبعات آن کار را به جایی رسانده که طبق گزارش دستیار اجتماعی رئیس دولت، محبوبیت پزشک‌یان نسبت به دو سال قبل به نصف رسیده است.

چند روز دیگر عمر دولت چهاردهم به ریاست مسعود پزشک‌یان به دو سال می‌رسد؛ اما میزان محبوبیت او با این دوره به نسبت کوتاه نسبیتی ندارد و طبق گزارشات مقامات دولتی در یک سراسیمگی تند افتاده است. هرچند روال دولت‌های پس از انقلاب، معمولاً با توفیق نسبی و محبوبیت روسای جمهور در ادوار نخست ریاست جمهوری شان همراه بود و در دولت‌های دوم شکست



امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

تصمیمات دولت همراه بوده است.

افول ناگهانی یک دولت

کشور درگیر جنگی کم‌سابقه است، اولویت یک ارکان اصلی دولت بر هجمه علیه صداوسیما و تمامیت‌خواهی روند اطلاع‌رسانی رسانه‌های غیردولتی استوار شده؛ همین رویکرد را در موضوعاتی چون پیگیری افراترپی و غیرمعمول موضوعی چون صدور گواهی‌نامه رانندگی موتور بانوان نیز می‌توان دید.

سال گذشته و در پی استعفای رئیس مرکز ارتباطات مردمی ریاست جمهوری، فهرستی از پرتکرارترین مطالبات مردمی از این نهاد منتشر شده بود که به وضوح فاصله رویکرد دولت با دغدغه‌های عینی دولت‌مردان را نشان می‌داد.

نظرسنجی ربیعی البته اولین نمود کاهش محبوبیت پزشک‌یان نیست. بهمن ماه گذشته جعفر قائم پناه معاون اجرایی پزشک‌یان طی سخنانی اذعان داشت: ما از همه دستگاه‌های اجرایی کشور نظرسنجی کردیم تا میزان رضایت مردم از عملکرد آن‌ها را بسنجیم. تقریباً اکثریت وزارتخانه‌ها — به جز دو یا سه وزارتخانه — در این نظرسنجی پوشش داده شدند. متأسفانه، نتایج نشان داد که اکثریت مردم از عملکرد دستگاه‌های اجرایی رضایت نداشتند. در بعضی استان‌ها، میزان رضایت به حداقل ممکن رسیده بود؛ مثلاً بین ۲۵ تا ۴۰ درصد.

با فرض صحت داده‌های نظرسنجی ربیعی، سقوط آزاد محبوبیت پزشک‌یان را می‌توان سریع‌ترین افول محبوبیت در میان روسای جمهور ادوار ایران دانست. از سوی دیگر با الگویی که این نظرسنجی به‌دست می‌دهد انتظار می‌رود در صورت تداوم ریاست جمهوری پزشک‌یان تا پایان دولت چهاردهم، محبوبیت او به زیر ۲ درصد ریزش کند. از این نظر اوسرنوشتی چون حسن روحانی را خواهد داشت که با محبوبیتی تک رقمی پاستور را ترک کرد.

دلایل یک سقوط

هرچند اوضاع و احوال کشور و شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم بر ایران امروز به روشنی دلایل سقوط محبوبیت پزشک‌یان را نشان می‌دهد اما به‌نظری رسد پرداختن به حواشی به جای پیگیری دغدغه‌های اصلی مردم و به بن‌بست رسیدن قریب به اتفاق وعده‌های انتخاباتی او دو دلیل عمده وضعیت رئیس دولت چهاردهم در افکار عمومی ایرانیان باشد. رویکرد مقطع کنونی دولت، مشیت نمونه خروار است. در شرایطی که عموم مردم با مشکلات شدید اقتصادی و معیشتی دست و پنجه نرم می‌کنند و از سوی دیگر نوار جنونی

اخیرا گزارش جمع‌بندی و تحلیلی یکسری داده‌ها توسط علی ربیعی دستیار اجتماعی مسعود پزشک‌یان به شیوه‌ای نامتعارف در برخی رسانه‌های معاند منتشر شد. هرچند دال مرکزی آن نظرسنجی سیاه‌نمایی از شرایط کشور و تولید یاس و ناامیدی نسبت به اوضاع امروز و فردای ایران بود و بر همین اساس نیز گزارشی انتقادی در این رابطه در روزنامه نوبنیاد منتشر شد، اما داده‌های آن نسبت به میزان محبوبیت رئیس دولت واجد نکات قابل تاملی است؛ مخصوصاً که تهیه نظرسنجی نیز توسط حلقه یک رئیس دولت بوده و نمی‌تواند مورد هجمه این روزهای دولتی‌ها علیه رسانه‌های غیردولتی واقع شود.

طبق این نظرسنجی و ذیل سرفصل محبوبیت رئیس جمهور آمده است: ۲۴٫۳ درصد پاسخگویان اعلام کرده‌اند که رئیس جمهور در میان آنها محبوبیت زیاد یا خیلی زیاد دارد. این شاخص از مرداد ۱۴۰۳ که محبوبیت رئیس جمهور ۴۶٫۳ درصد بود، با کاهش حدود ۲۲ واحد درصدی به ۲۴٫۳ درصد رسیده است. این روند محبوبیت در دو سال گذشته با فراز و نشیب وابسته به رخداد‌های کشور و



چرا بخشی از سخنان رئیس جمهور در صداوسیما حذف شد؟

شهاب اسفندیاری، رئیس دانشگاه صداوسیما پیرامون حواشی اخیر حذف بخشی از سخنان پزشک‌یان و قالبیاف در صداوسیما اظهار داشت: مطلب مطرح شده در سخنرانی رئیس جمهور، چندی پیش در دیدار با مدیران صداوسیما نیز مطرح شده بود. فیلم آن جلسه را دفتر ریاست جمهوری تدوین و برای پخش به صداوسیما

ارسال کرده بود. وی افزود: جالب این‌که در آن فیلم، دقیقاً همین بخش مورد اشاره حذف شده بود! یعنی این هجمه سنگین علیه صداوسیما به بهانه حذف جمله‌ای برپا شده است که پیش‌تر خود دفتر ریاست جمهوری هم به‌درستی آن جمله را از سخنرانی ایشان حذف کرده بود. جمله مورد اشاره در این سخنرانی، نقل‌قولی از جلسه‌ای خصوصی میان رهبر شهید انقلاب و رئیس جمهور بوده است. طبق قواعد و ضوابط حرفه‌ای و پروتکل‌های رایج در تنظیم و انتشار اخبار مربوط به رهبر معظم انقلاب، هرگونه نقل‌قول از جلسات خصوصی و محرمانه ایشان ممنوع است و انتشار چنین مطالبی صرفاً منوط به تأیید دفتر مقام معظم رهبری است.

خبر کوتاه

بی‌تفاوتی به خون‌خواهی، مجوزی برای ادامه جنایت است

روز گذشته حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان، با اشاره به ضرورت حفظ وحدت ملی اظهار داشت محور اصلی وحدت، خود رهبر معظم انقلاب و دیدگاه‌های ایشان است و برای تحقق این وحدت باید نظرات و رهنمودهای معظم‌له به‌درستی شناخته شود. شریعتمداری با بیان اینکه رهبر معظم انقلاب در بیانیه‌های اخیر، خطوط و محورهای اصلی را به روشنی تبیین کرده‌اند، گفت: برای شناخت این محورها نیازی به دسترسی به مسائل محرمانه نیست، چرا که پخش قابل توجهی از آن به صورت شفاف بیان شده است. وی، برخی از این محورها را برشمرد و تصریح کرد: تأکید بر بسته ماندن تنگه هرمز، ضرورت پرداخت خسارت از سوی آمریکا، اخراج آمریکا از منطقه، حفظ وحدت ملی، خارج بودن موضوع هسته‌ای از مذاکرات و همچنین تأکید بر انتقام و خون‌خواهی از جمله محورهای مطرح شده از سوی رهبر انقلاب است. وی درباره موضوع خون‌خواهی رهبر شهید انقلاب نیز گفت: خون‌خواهی یک مسئله شخصی نیست، بلکه اقدامی در جهت جلوگیری از تکرار ترورها و جنایت‌های دشمنان است. اگر نسبت به این موضوع بی‌توجهی شود، در عمل به آمریکا و دیگر دشمنان اجازه داده‌ایم هر زمان که بخواهند دست به ترور و جنایت بزنند.

اسماعیلی: پایان این جنگ با انتقام خون رهبر شهید رقم می‌خورد

وزیر ارشاد دولت سیزدهم گفت: ما کشوری هستیم که بزرگ‌ترین شخصیت و رهبرمان را از دست داده‌ایم و تا زمانی که انتقام این جنایت گرفته نشود، اساساً شرایط جنگ برای ما پایان یافته تلقی نمی‌شود. وی درباره برخی اظهارات مبنی بر قرار گرفتن کشور در شرایط جنگ، نه صلح اظهار داشت: وضعیت نه جنگ، نه صلح برای کشور ما معنا ندارد. او تصریح داشت: ما کشوری هستیم که بزرگ‌ترین شخصیت و رهبرمان را از دست داده‌ایم و تا زمانی که انتقام این جنایت گرفته نشود، اساساً شرایط جنگ برای ما پایان یافته تلقی نمی‌شود. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم ادامه داد: این اتفاق با شهادت آقا آغاز شده و باید با انتقام ایشان به پایان برسد.

خضریان: عمان نمی‌تواند به تنهایی ترافیک دریایی را اجرایی نماید

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در نشست بررسی طرح مدیریت تنگه هرمز اظهار داشت: یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل، رعایت اصل حسن همجواری است. وی افزود: اکنون که امنیت ایران به دلیل تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به خطر افتاده و آمریکا با هدف نابودی نیروی دریایی ایران به آب‌های سرزمینی ایران و سواحل ایران حمله کرده است، دولت عمان نه تنها باید از هر اقدامی که امنیت و حاکمیت ملی ایران را تضعیف می‌کند، خودداری کند، بلکه وظیفه دارد از هر اقدامی که تهدید برای امنیت ملی و نقض حاکمیت ملی ایران می‌شود نیز جلوگیری کند. بر این اساس کشور عمان نمی‌تواند به تنهایی ترافیک دریایی را در تنگه هرمز تنظیم و اجرایی نماید.

قاتلان شهدای امنیت در میدان شهید علیخان اصفهان اعدام شدند

حکم اعدام ابوالفضل سپاهی بادیانی و امیرحسین صفری حسین‌آبادی دو تن از عوامل جنایت فجیع میدان شهید علیخان اصفهان در کودتای دی‌ماه سال گذشته اجرا شد. در جریان حوادث ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ در میدان شهید علیخان ملک‌شهر اصفهان ۴ نفر از ماموران حافظ امنیت در نیروی انتظامی به طرز فجیعی به شهادت رسیدند.

مرجعیت

آیت‌الله جوادی آملی: ملت ایران به هیچ مهاجمی امان نمی‌دهد

یادواره ۳۹۸ شهید سرافراز ارتش شهرستان هزارسنگر آمل با حضور جمعی از فرماندهان، خانواده‌های معظم شهدا، مسئولان و اقشار مختلف مردم با پیام حضرت آیت‌الله العظمی می‌جوادی آملی برگزار شد. آیت‌الله العظمی جوادی آملی در پیام خود، با گرامیداشت یاد و خاطره همه شهیدان، به‌ویژه شهدای شهرستان آمل خاطر نشان کرد: ملت ایران هرگز آغازگر تجاوز نبوده‌اند، ولی هیچ مهاجمی را هم امان نمی‌دهند. وی افزود: کشور ما و ملت ما، ملتی حسینی است و همان روحیه‌ای که در نهضت سیدالشهدا جلوه‌گر شد، امروز نیز در میان مردم این سرزمین زنده و جاری است. آیت‌الله العظمی جوادی آملی در ادامه از برگزارکنندگان یادواره، مسئولان، خانواده‌های معظم شهدا و همه پاسداران امنیت و عزت کشور قدردانی کرد و با اشاره به سابقه دوستی هفتاد ساله خود با رهبر شهید، بیان داشت: از مقام معظم رهبری حق شناسی می‌کنیم و شهید خودمان را دعا می‌کنیم؛ این دوست عزیزمان که از آغاز ورودمان یعنی از هفتاد سال قبل که وارد قم شدیم گرچه یک مقدار تفاوت سنی بود، با این بزرگ و بزرگوار دوست بودیم تا الآن. رفاقت هفتاد ساله کم نیست؛ دوست هفتاد ساله را

انسان از دست بدهد کم نیست! حشر همه اینها با حسین بن علی! معظم‌له حفظ امنیت، آرامش و وحدت ملی را از مهم‌ترین نیازهای کشور برشمرد و تصریح کرد: مادا خدای ناکرده راهی را برویم که رضای خدا در آن نباشد، هرگز نگذارید از لبان مطهرتان حرف‌های مکروهی صادر شود، لذا اگر نظر یا طرحی هست حتماً در فضایی دوستانه مطرح شود، بگذارید این مملکت صد درصد در آرامش و امنیت اداره شود، تا بتوانیم این نظام اسلامی را به دست صاحب اصلی‌اش برسانیم.



گزارش کوتاه

تردید در ادعای هیات رئیسه درباره
علنی بودن جلسات اخیر مجلس

روز گذشته علیرضا سلیمی عضو هیأت رئیسه مجلس در جلسه مجازی مجلس در واکنشی که به نظر می‌رسد به گزارش نوبیاد می‌باشد، اظهار داشت: «متأسفانه برخی سایت‌ها روز گذشته علیه مجلس استدلال حقوقی کردند در واقع طبق قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، مذاکرات مجلس باید به صورت علنی باشد و همچنین گزارش کامل جلسه مجلس باید از طریق رادیو و روزنامه رسمی پخش و منتشر شود که این گونه است اما قانونگذار در مقام بیان، قید پخش زنده را نیاورده است بنابراین نمی‌توان اطلاق کرد که منظور قانونگذار پخش زنده یا غیرزنده مذاکرات بوده است.»

این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که رویه چند ده سال اخیر جلسات علنی مجلس به صورت پخش زنده از رادیو و تلویزیون و با حضور اصحاب رسانه بوده است اما در دو جلسه اخیر صحن مجازی این امر محقق نشد و با ۲۴ ساعت تأخیر پخش شد. بنابراین تعریف علنی بودن جلسات صحن با توجه به رویه موجود به روشنی واضح است. البته که باید به این نکته توجه داشت در خود قانون اساسی نیز این قید آمده است که «در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند... جلسه غیر علنی تشکیل می‌شود.» به عبارت دیگر اگر هیات رئیسه بنایی بر پخش زنده جلسات با حضور اصحاب رسانه ندارد قانونگذار اساسی تشکیل جلسه غیر علنی را پیش بینی کرده است.

بی وطن

سلطنت‌طلبان به گدایی افتادند

روز گذشته دو ویدیو از ربع پهلوی و حامی او یعنی اشکان خطیبی در فضای مجازی منتشر شد که استهزا و تمسخر کاربران فضای مجازی را به دنبال داشت. ربع پهلوی در مصاحبه‌ای در پاسخ به سوالی مبنی دریافت پول ناشناس، از اسرائیل و عربستان سعودی مدعی شد: هریالی که به کمپین من می‌رسد، از کمک‌های خصوصی حامیان است. امیدواریم خیرین بیشتری داشته باشیم که چک‌های بزرگ‌تری به ما بدهند. همچنین حامی ارشد او نیز طی اراجیفی با عجز و گلايه اعلام کرد که چهار سال است مثل گدا زندگی می‌کند و حتی یک ساعت ندارد که برای امرار معاش بفروشد و از مردم و شرکت‌ها درخواست کرد که به وی کمک کنند.

خبر کوتاه

هشدار قرارگاه خاتم به شرکت‌ها و
کشورهای دریافت‌کننده دارایی ایران

روز گذشته سخنگوی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا اعلام کرد: رئیس‌جمهور آمریکا در پی اقدامات تجاوزکارانه، و تلاش مستمر برای بی‌ثبات‌سازی منطقه اعلام کرده است: خسارت‌شناورهایی که در جریان جنگ تحمیلی علیه ایران اسلامی، به دلیل ایجاد ناامنی توسط ارتش آمریکا، و تخلف در عبور از مسیر غیرقانونی و ناامن جنوب تنگه هرمز آسیب دیده‌اند را، از محل دارایی‌های بلوکه شده ایران، پرداخت خواهد کرد. ضمن هشدار به رئیس‌جمهور جنایتکار آمریکا در خصوص تبعات این اقدام غیرقانونی، به همه شرکت‌ها و کشورهایی که از پیشنهاد ترامپ استقبال نمایند و از دارایی‌های بلوکه شده ایران، تحت این عنوان استفاده کنند، اعلام می‌داریم، از این به بعد، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، اجازه تردد به هیچ‌یک از شناورهای آن‌ها از تنگه هرمز را، نخواهند داد.



یادداشت دکتر مهدی جمشیدی درباره ابعاد پیام راهبردی رهبر انقلاب خطاب به دبیرکل و رزمندگان حزب الله:

تنها گزینه؛ مقاومت
به مثابه امکان تاریخی

پیامون پیام اخیر رهبر معظم انقلاب که در پاسخ به نامه دبیرکل و رزمندگان حزب الله صادر شد و تأکید ایشان مبنی بر این نکته که در برابر جبهه استکباری «راهی جز جهاد و مقاومت، پیش رو نمانده است» و همچنین تصریح ایشان بر «دفاع از مجاهدان لبنان، سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران است» دکتر مهدی جمشیدی جامعه شناس و فعال فرهنگی طی یادداشتی برای روزنامه نوبیاد نوشت:

مهدی جمشیدی
جامعه شناس و فعال فرهنگی

مذاکره با آمریکا یک افسانه موهوم

۱. نه اکنون، بلکه سال‌هاست که گزینه «مذاکره با آمریکا»، نامعقول شده است؛ برای کسانی که به گذشته نمی‌نگرند و مایل به تجربه بدیهیات هستند، توافق برجام، نمونه‌ای روشن و صریح از بن‌بست محض بودن مسیر مذاکره بود و دست‌کم از آن پس، دیگر به هیچ‌رو، سخن گفتن از مذاکره با آمریکا، معقول و موجه نبود. در این تجربه تلخ، آشکار گردید که باید گزینه مذاکره با آمریکا را برای همیشه کنار نهاد و به بیراهه مذاکره، دل نیست. با این حال، باز هم لیبرال‌های ایرانی، همچنان بر مذاکره اصرار ورزیدند و گذر از مذاکره را یک انتخاب احساسی و هیجانی معرفی کردند. حتی وقوع دو جنگ در متن مذاکره نیز نتوانست تغییری در رویکرد مذاکره‌گرایان ایجاد کنند و نامعقولیت مذاکره را در نظر آنان به اثبات برساند.

لیبرال‌های ایرانی، مخالفت با مذاکره را واکنش شعاری و ناموجه دانستند و در چهارچوب عقلانیت لیبرالی یا عقلانیت شبه‌انقلابی، به ملامت مخالفان مذاکره با آمریکا پرداختند. آخرین تجربه تلخ و تاریک، توافق اسلام‌آباد بود که به‌امضای رؤسای جمهور ایران و آمریکا درآمد، اما از همان آغاز، با عهده‌شکنی آمریکا روبرو گردید و نقض گردید. این توافق، بسیار زودتر و صریح‌تر از برجام، با شکست مطلق و تقسیرناپذیر مواجه شد و بار دیگر، آشکار گشت که مسیر مذاکره با آمریکا، یک «افسانه موهوم» است که لیبرال‌های ایرانی در جهان ذهنی بافته خویش، آن را معتبری می‌انگارند.

به‌راستی، دیگر پس از این همه تجربه نام و هزینه‌گزارف، نباید اقبال به مذاکره با برخاسته از خامی یا نادانی تصور کرد. دست‌کم، اکنون باید نقطه پایان و نهایی گزینه مذاکره با آمریکا باشد و چشم‌های متوقع، بر روی آن بسته شوند.

ایران در برابر خوی فرعون‌ی آمریکا
متواضع نیست

۲. نظم عالم تجدّد، مبتنی بر «قدرت محض» است و آنچه که از حقوق و قواعد سیاسی در آن خوانده و شنیده‌ایم، یک نمای بیرونی و فریبنده از این عالم تاریخی است. خاستگاه غرب کنونی، رویکرد قدرت‌مآب هست و این تمدن از لحظه‌های آغازین حیات خویش، بر قدرت نااخلاقی و زیاده‌خواهانه تکیه داشت و پیش آمده و حتی دست‌تعدی به سوی جوامع غیرغربی دراز کرده و پدیده «استعمار» را رقم زده است. در طول سیصد سال، دولت‌های از هر جهت، به جان جوامع دیگر افتادند

اثر حمله غافل‌گیرانه و هوشمندانه، طرح آمریکا برای پایان بخشیدن به جمهوری اسلامی بود، اما این طرح، نه یک بار، بلکه دو در متن جنگ، دچار شکست مطلق شد. اکنون آمریکا در محاصره گرفتار شده و در توانایی و قدرت‌ش، تردیدهای فراوان ایجاد گردیده است. در جنگ دوم، ماتالبه‌های فتح‌نهایی پیش‌رفتیم و می‌رفت که برای همیشه، کار دشمن را بسازیم و شکست و تمام‌عیار را به او تحمیل کنیم، اما در این برهه تعیین‌کننده، وسوسه مذاکره از راه رسید و آمریکا توانست برای بازسازی خویش زمان بخرد و فضای تنفسی برای خودش بیافریند. این بار نباید در لحظه‌های پایانی، کار را نیمه‌تمام رها کرد و از «مقاومت» به «مذاکره» عبور کرد.

حیات جبهه‌وار مقاومت در منطقه،
کار را بر آمریکا، دشوار کرده است

۴. جنگ کنونی، هم جنگ وجودی است و هم جنگ منطقه‌ای. معنای جنگ وجودی، روشن است و درباره جنگ منطقه‌ای نیز باید گفت در این جنگ، نیروهای مقاومت در منطقه، به میدان آمدند و در کنار ایران جنگیدند. این جنگ، فقط یک منازعه ملی نیست، بلکه یک منازعه عام و امتی تمدنی است که هرچند ایران در کانون آن قرار دارد، ولی طرف مقابل آمریکا، تنها ایران نیست، بلکه یک «جبهه مقاومتی» شکل گرفت که از لبنان تا عراق و یمن را در برمی‌گیرد. بنابراین، جبهه مقاومت، همچنان زنده و بانشاط است و می‌تواند در معرکه جنگ، نقش آفرینی کند. آمریکا با یک «کلّیت امتی» مواجه است که به واسطه همبستگی ایمانی، حس وحدت دارد. حیات جبهه‌وار مقاومت در منطقه، کار را بر آمریکا، دشوار کرده است؛ چنان‌که می‌بیند در اثر تهاجم، از هر سوبه او حمله می‌شود و تعاون مؤمنانه و همبستگی ایمانی، عرصه را بر وی تنگ می‌کند. آن‌هنگام که رهبر شهید از «عمق راهبردی جمهوری اسلامی در منطقه» سخن می‌گفتند، لیبرال‌های ایرانی به ملامت و تخطئه می‌پرداختند و می‌خواستند مرزهای تقابل به «مرزهای ملی» فروبکهند، اما امروز که در میدان عمل و عین قرار داریم، به روشنی درمی‌یابیم که مواجهه با چنین دشمنی، محتاج یک بافت فرملی و جبهه‌وار است که از پیوند امتی در منطقه برمی‌خیزد.

است. تجربه غارت و تجاوز، خاص تمدن غربی نیست، اما در این تمدن، به نقطه اوج خویش رسیده و این تمدن، مثل اعلای فزون‌خواهی است که در ادبیات جدید، از آن به عنوان استعمار یاد می‌شود. عالم غربی، همچنان نیز سودای استعمار دارد؛ جنگ آمریکا با ایران، معنی دیگری جز استعمار ندارد که رهبر شهید با تعبیر «بلغیدن ایران» از آن یاد کردند. اگر ایران در برابر خوی فرعون‌ی آمریکا، متواضع بود و تسلیم بی‌قید و شرط را می‌پذیرفت و حاضر بود که به جای استقلال و خودبنیادی، به گاو شیرده و مجموعه اقماری و تابع آمریکا تبدیل شود، بساط جنگ برچیده می‌شد؛ چرا که آمریکا بدون جنگ، به آنچه که می‌خواست و طلب می‌کرد می‌رسید. پس از هر سو که به مسأله می‌نگریم، در نهایت این نتیجه دست می‌یابیم که زبان و منطق غرب به طور کلی و آمریکا به طور خاص، قدرت و غلبه و قهر و زور است و گفتگو و مذاکره، هیچ واقعیتی ندارد.

نباید به آمریکا فرصت تنفس داد

۳. خوشبختانه تجربه مقاومت، سرشار از کامیابی‌ها و درخشش‌ها بوده و توانسته «امکان‌های جدید» برای انقلاب پدید بیاورد. لیبرال‌های ایرانی، همواره هراس را مقاومت را در جامعه می‌پراکنند، اما واقعیت، ناگزیر به سوی مقاومت حرکت کرد و جنگ را رقم زد و با آنچه که با روایت‌های ناصواب، مهلک معرفی می‌شد، مواجه گردیدیم. این مواجهه، «امکان فتح» را نمایان ساخت و در عمل، نشان داد که انقلاب، شکننده نیست و می‌تواند مردانه و جانانه، در برابر چیزی که به عنوان «قوی‌ترین ارتش دنیا» معرفی می‌شد، مقاومت کند و جنگ را نبازد. آری، ما دچار ضربه‌های جدی شدیم، اما در مقابل، ضربه‌های دردناکی نیز به دشمن وارد آوردیم و او را به عقب راندیم. «امکان مقاومت»، آشکار شده و فرضیه‌های روشنفکری سکولار، جلگی ابطال شده‌اند.

گمان اینان مبتنی بر انهدام مطلق و کلی‌ما در لحظه‌های آغازین جنگ بود، اما تجربه دو جنگ نشان داد که انقلاب، به‌صورتی شگفت‌آور و معجزه‌آسا، برقرار و مستمر است و می‌تواند معادله را به نفع خود تغییر بدهد. «فروپاشی ناگهانی» در

راز و ام‌های گمشده بانک دی



بررسی آمارهای تسهیلات کلان پرداختی بانک دی نشان می‌دهد این بانک در سال‌های ۹۳ و ۹۴ چندین وام میلیاردی به شرکت خونه به خونه پرداخت کرده، اما این تسهیلات به بانک بازنگشته و امکان بازگشت آن نیز کم است، زیرا در طبقه مشکوک‌الوصول قرار گرفته است. شرکت خونه به خونه که بانک مرکزی آن را به عنوان ذی نفع تمامی وام‌های گرفته‌شده می‌شناسد، «شرکت خدمات بازرگانی و صنایع غذایی آسان اندیشان شفق» است. این شرکت که در حوزه واردات و صادرات مواد غذایی و خدماتی از جمله تغذیه، پذیرایی و سرویس‌دهی به دستگاه‌های دولتی و خصوصی فعال بوده که در سال ۹۰ تأسیس شده، اما در سال ۹۹ آخرین آگهی خود را منتشر و انحلال خود را اعلام کرد. طبق گزارش فارس، در حال حاضر شرکتی به نام «شرکت سرمایه‌گذاری فروشگاه‌های زنجیره‌ای خونه به خونه» فعال است. این شرکت در سال ۸۸

در واقع، این شرکت‌ها را یک سری اشخاص تأسیس کرده و به عنوان زیرمجموعه و عضو هیئت مدیره به شرکتی که از بانک دی وام گرفته، اضافه کرده‌اند؛ البته هیچ نامی از «شرکت سرمایه‌گذاری فروشگاه‌های زنجیره‌ای خونه به خونه» نیست. اما طبق بررسی‌ها، شرکت «سرمایه‌گذاری تولیدی بین‌المللی گروه پرواز تجارت ایرانیان» که قبلاً عضو هیئت مدیره «شرکت خدمات بازرگانی و صنایع غذایی آسان اندیشان شفق» یا همان خونه به خونه قبلی بود و چند فقره وام از بانک دی گرفت و پس نداد، از شرکت‌های زیرمجموعه شرکت خونه به خونه فعلی نیز بوده است. علاوه بر این، قاسم حسن‌زاده امیری که رئیس هیئت مدیره شرکت خونه به خونه فعلی بوده، در همان زمان گرفتن وام‌ها از بانک دی، نایب‌رئیس و عضو هیئت مدیره شرکت‌هایی بوده که اکنون منحل شده‌اند.

شروع به فعالیت کرده و ظاهراً هیچ ارتباطی با «شرکت خدمات بازرگانی و صنایع غذایی آسان اندیشان شفق» ندارد؛ اما بررسی دقیق‌تر پیرده از ماجرای جالبی برمی‌دارد. «شرکت خدمات بازرگانی و صنایع غذایی آسان اندیشان شفق» چند فقره از وام‌های بانک دی را به نام خود و مابقی را به نام شرکت‌های دیگری گرفته که تمامی آن‌ها عضو هیئت مدیره خودش بوده‌اند. این شرکت‌ها عبارت‌اند از «سرمایه‌گذاری تولیدی بین‌المللی گروه پرواز تجارت ایرانیان»، «شکوه مهر ایرانیان»، «افرا تدبیرکتا»، «شکوه گسترگل‌گهر»، «آسان پخش گیتی»، «ارکان تجارت ماهان»، «میلاد گسترطوس» و «تدبیر گستر حافظ». از این ۸ شرکت، ۳ شرکت منحل شده‌اند و ۵ شرکت دیگر نیز در حال تصفیه هستند؛ یعنی این شرکت‌ها نیز فعالیت عادی خود را متوقف کرده و وارد مرحله پایان دادن به امور خود شده‌اند.

نوبنید از تصمیم بنزینی دولت گزارش می‌دهد؛

بازی خطرناک با بنزین

کاهش دوباره سهمیه دوم بنزین، در حالی که دولت هرگونه تصمیم برای افزایش قیمت را رد می‌کند، باز دیگر پرونده حساس اصلاح نظام سوخت را به صدر اخبار بازگردانده است. تجربه افزایش ناگهانی قیمت بنزین در سال ۱۳۹۸ و همچنین تغییرات آذرمه سال گذشته، باعث شده هر خبر یا اظهارنظر درباره بنزین، با حساسیت و نگرانی افکار عمومی دنبال شود. هرچند سخنگوی دولت تأکید کرده که فعلاً تنها سهمیه دوم از ۷۰ به ۵۰ لیتر کاهش یافته و هنوز تصمیمی درباره نرخ بنزین آزاد اتخاذ نشده است.

دشوار کرده و همچنین در میانه جنگی که دشمن از هرگونه فرصتی برای ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت بهره‌برداری می‌کند، هرگونه تغییر قیمت بنزین می‌تواند هزینه گزافی به کشور تحمیل کند. برآوردهای نهادهای اقتصادی دولت نشان می‌دهد این افزایش قیمت می‌تواند مصرف بنزین را حدود ۶ میلیون لیتر در روز کاهش دهد. از آنجا که دو برابر شدن نرخ سهمیه سوم بنزین نیز کمک چندانی به حل مسئله ناترازی بنزین و کسری بودجه دولت نمی‌کند، به گواه بسیاری از کارشناسان، نامعادله‌ای است که هزینه آن به مراتب بیش از دستاوردهای آن است. فاصله قابل توجه قیمت داخلی با قیمت‌های منطقه‌ای، رشد مصرف ناشی از فرسودگی ناوگان حمل و نقل، مصرف بالای خودروهای داخلی و استمرار قاچاق سوخت، عواملی هستند که تنها با افزایش محدود قیمت اصلاح نخواهند شد. هرگونه تغییر قیمتی در شرایط کنونی می‌تواند انتظارات تورمی را تشدید کرده و موج جدیدی از افزایش قیمت کالاها و خدمات را به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر، با توجه به تجربه‌های گذشته، هرگونه اصلاح قیمتی بدون آماده‌سازی افکار عمومی و بدون ارائه بسته‌ای جامع از راهکارهای جبرانی، خطر ایجاد التهاب اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد؛ هزینه‌ای که ممکن است بسیار بیشتر از منافع احتمالی آن برای دولت باشد.

هشدار معاون اجرایی شهید رئیسی

محسن منصوری معاون اجرایی دولت شهید رئیسی نیز در واکنش به اخبار منتشرشده درباره احتمال افزایش قیمت بنزین و همچنین اظهارات سخنگوی دولت در صفحه شخصی خودش در شبکه ایکس نوشت: سابقه تغییر قیمت بنزین، حتی در حالت ثبات کامل کشور، همیشه چالش‌آفرین و بحران‌زا بوده و تبعات مختلف اقتصادی، اجتماعی و امنیتی در پی داشته است. او تأکید کرد: فارغ از اینکه تغییر قیمت بنزین تصمیم درستی هست یا نه، آنچه بدیهی است این است که این تغییر در شرایط فعلی کشور، به هیچ وجه به مصلحت نبوده و عواقب سنگینی خواهد داشت. چنانچه مسئولان امر نسبت به اصل موضوع افزایش قیمت بنزین به جمع بندی رسیده‌اند، انتظار از متولیان این است که زمان اجرا به وقت مناسبی موکول شود.

تذکر بهارستان به پاستور

نشست علنی و مجازی دیروز مجلس نیز تحت تأثیر اخبار بنزین قرار گرفت. حسینعلی حاجی‌دلیگانی، نایب رئیس کمیسیون اصل نود مجلس در تذکری با اشاره به انتشار اخباری درباره احتمال افزایش قیمت بنزین گفت: صداهایی درباره افزایش قیمت بنزین شنیده می‌شود که نگران‌کننده است؛ چراکه افزایش قیمت بنزین بر تمام کالاها و خدمات اثر می‌گذارد و موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود. علی‌نیکزاد نایب‌رئیس مجلس در پاسخ حاجی‌دلیگانی درباره قیمت بنزین گفت: روز گذشته جلسه‌ای با سید حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور درباره موضوع بنزین برگزار شد. طبق توضیحات پورمحمدی، دوازه بیشتر وجود ندارد؛ یا سهمیه بنزین جابه‌جا شود یا قیمت بنزین افزایش پیدا کند. وی با بیان اینکه دولت موضوع تصمیم‌گیری درباره بنزین را به پورمحمدی محول کرده است، تصریح کرد: طبق توضیحات رئیس سازمان برنامه و بودجه، افزایش قیمت بنزین منتفی است و جابه‌جایی سهمیه انجام خواهد شد.

مخالفت وزیر نفت با تصمیم دولت

محسن پاک‌نژاد وزیر نفت پیش‌تر در ۱۷ خرداد امسال، در نشست مجازی مجلس با اشاره به ناترازی میان تولید و مصرف بنزین در کشور و وجود راهکارهایی برای کنترل مصرف گفت: وظیفه وزارت نفت تولید، تأمین، انتقال و توزیع سوخت است، اما برای رهایی از مشکل تأمین سوخت نیازمند همراهی مردم هستیم. او با بیان این که راهکارهای دیگری هم برای مدیریت سوخت در حال انجام است، تأکید کرد: اکنون نمی‌توان تنها قیمت‌هایی را برای سوخت مطرح کرد؛ زیرا شرایط اقتصادی و اجتماعی پاسخگو نیست و مشکل را هم حل نمی‌کند.

شایعه دو برابر شدن نرخ سهمیه سوم

برخی رسانه‌ها طی دو روز گذشته از موافقت سران قوا برای افزایش نرخ سوم بنزین به ۱۰ هزار تومان خبر داده‌اند. هرچند تغییر قیمت به صورت تاکنون تأیید نشده اما ۱۰ هزار تومان در فضای رسانه‌ای مطرح است. این خبر نگرانی‌های بسیاری را در میان مردم، کارشناسان و فعالان سیاسی و اجتماعی برانگیخت. در شرایطی که تورم بی‌سابقه، معیشت مردم را پیش از هر زمان دیگری



حمید کمار
روزنامه نگار

انتشار شایعاتی درباره افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت نرخ سوم بنزین (کارت جایگاه)، موجی از واکنش‌ها را در جامعه و مجلس برانگیخته است. این در حالی است که کارشناسان معتقدند ریشه ناترازی بنزین، صرفاً به قیمت محدود نمی‌شود و حل این بحران، نیازمند مجموعه‌ای از اصلاحات ساختاری در حوزه مصرف، حمل و نقل، خودرو و نظام تخصیص سوخت است؛ اصلاحاتی که بدون اقتناع افکار عمومی، می‌تواند هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی سنگینی برای کشور به همراه داشته باشد. فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در نشست خبری دیروز (سه‌شنبه ۶ مرداد)، از کاهش سهمیه دوم بنزین از ۷۰ به ۵۰ لیتر خبر داد و گفت: دولت از قبل برنامه اصلاح نظام عرضه بنزین را در دستور کار داشت. در همین راستا، در آذرماه قیمت بنزین با کارت جایگاه به ۵ هزار تومان افزایش یافت. همچنین در ایام جنگ، سهمیه دوم بنزین با نرخ ۳ هزار تومان که پیش از آن ۱۰۰ لیتر بود، ابتدا به ۷۰ لیتر و اکنون به ۵۰ لیتر کاهش یافته است. این سهمیه ۵۰ لیتری همچنان با قیمت ۳ هزار تومان عرضه می‌شود و مصرف مازاد بر آن با نرخ جایگاه، یعنی پنج هزار تومان، محاسبه خواهد شد. وی افزود: تاکنون هیچ تصمیم‌نهایی درباره تغییر قیمت بنزین جایگاهی اتخاذ نشده و هر زمان چنین تصمیمی نهایی شود، به صورت رسمی اطلاع‌رسانی خواهد شد. اظهارات سخنگوی دولت موجی از نگرانی را در افکار عمومی ایجاد کرد. هرچند تصمیم دولت تنها به محدود شدن سهمیه دوم خلاصه می‌شود، اما تجربه تلخ افزایش غافل‌گیرانه قیمت در دولت روحانی و در همین دولت چهاردهم (نرخ سوم ۵ هزار تومانی در آذر سال ۱۴۰۴)، نگرانی‌ها درباره تکرار فاجعه بنزینی سال ۱۳۹۸ را زنده کرده است. همین نگرانی‌ها باعث شد که روز گذشته، موجی از واکنش‌ها نسبت به اظهارات سخنگوی دولت و احتمال افزایش قیمت بنزین در شرایط فعلی کشور شکل بگیرد.

بنزین؛ باروت تورم در اقتصاد جنگی

رضانعلی سنگدوینی، عضو کمیسیون انرژی مجلس، می‌گوید: مجلس و کمیسیون انرژی در وضعیت فعلی که کشور در شرایط جنگی قرار دارد، زمان را برای افزایش قیمت بنزین مناسب نمی‌داند. امروز کشور در شرایط خاصی است و مردم نیز از نظر معیشتی با دشواری‌هایی مواجه هستند؛ بنابراین، در چنین فضایی، هرگونه تصمیم برای افزایش قیمت بنزین می‌تواند آثار مستقیم و گسترده‌ای بر هزینه‌های حمل و نقل، قیمت کالاهای اساسی و مجموع هزینه‌های زندگی مردم بر جای بگذارد. افزایش قیمت بنزین صرفاً به یک قلم سوخت محدود نمی‌ماند، بلکه به صورت زنجیره‌ای بر بخش‌های مختلف اقتصادی اثر می‌گذارد و در نهایت، فشار آن متوجه عموم مردم می‌شود.

تالار شیشه‌ای

بورس دوباره به کانال ۵.۱ میلیون رسید

بازار سهام همچنان روند صعودی خود را حفظ کرده است. معاملات روز گذشته (سه‌شنبه ۶ مرداد ۱۴۰۵) این بازار با برتری خریداران و افزایش قیمت بیش از ۷۰ درصد از نمادها آغاز شد و در نهایت با سبزپوشی ۷۸ درصد از نمادها بسته شد. شاخص کل بورس تهران نیز با رشد ۱.۱۳ درصدی دوباره به کانال ۵.۱ میلیون واحد بازگشت. میانگین بازده شاخص ۴۰ صنعت فعال بازار سهام دیروز به ۱.۳۴ درصد رسید و شاخص ۳۳ صنعت با افزایش همراه شد. در این میان، صنایع «سایر معادن»، «انتشار و چاپ» و «فنی و مهندسی» بیشترین رشد روزانه را ثبت کردند. همچنین شاخص صنایع «زراعت»، «انتشار و چاپ»، «کاشی و سرامیک» و «کانی غیرفلزی» با ثبت سطوح جدید، بار دیگر در بالاترین سطح تاریخی خود قرار گرفتند.

ارزش معاملات خرد بازار سهام مانند روز گذشته همچنان در کانال ۳۰ میلیارد تومان قرار دارد؛ به طوری که دیروز به ۳۰ هزار و ۴۸۵ میلیارد تومان رسید. این رقم نسبت به میانگین سه ماهه ارزش معاملات خرد (۲۵ هزار و ۴۴۸ میلیارد تومان)، افزایشی ۲۰ درصدی را نشان می‌دهد. ورود پول حقیقی نیز برای سومین روز متوالی مثبت ماند و بازار، ۱۵۷۷ میلیارد تومان پول خرد را در جریان معاملات دیروز جذب کرد. حقیقی‌ها بیش از ۲۲۰۰ میلیارد تومان پول به خرجه سهام وارد کردند و در مقابل، ۷۱۰ میلیارد تومان از صندوق‌های سهامی خارج شد. شاخص کل بورس تهران با ۵۶ هزار و ۹۳۵ واحد (۱.۱۳ درصد) رشد، به ۵ میلیون و ۱۰۹ هزار و ۳ واحد رسید و بار دیگر کانال ۵.۱ میلیون واحد را پس گرفت. شاخص هم‌وزن نیز با افزایش ۱۸ هزار و ۲۹۹ واحدی (۱.۳ درصد)، در ارتفاع یک میلیون و ۴۲۶ هزار و ۶۰۶ واحد ایستاد. رشد بیشتر شاخص هم‌وزن نسبت به شاخص کل نشان می‌دهد که رونق معاملات در سهام شرکت‌های کوچک‌تر بیشتر بوده است. شاخص کل فرابورس ایران نیز مثبت بود و با ۶۵۴ واحد (۱.۶ درصد) رشد، در محدوده ۴۰ هزار و ۸۶۲ واحد قرار گرفت. معاملات صندوق‌های طلا و نقره نیز در محدوده صفر تا بلو تا مثبت یک درصد آغاز شد، اما در ادامه تا منفی یک درصد نیز نوسان کرد. بررسی رفتار حقیقی نشان می‌دهد که احتیاط هنوز به طور کامل از بازار خارج نشده؛ زیرا سرانه خرید حقیقی ۱۰۲.۶ میلیون تومان و سرانه فروش ۱۱۳.۹ میلیون تومان بود و نسبت قدرت خرید حقیقی‌ها منفی ۱.۱۱ قرار گرفت. این موضوع نشان می‌دهد، بخشی از معامله‌گران همچنان ترجیح داده‌اند از فرصت ایجادشده برای شناسایی سود یا کاهش ریسک پرتفوی خود استفاده کنند.

علیرغم وعده رئیس جمهور؛

برق صنایع همچنان قطع می‌شود

دولت چهاردهم وعده داده بود برق صنایع در ماه‌های مرداد و شهریور قطع نخواهد شد، اما آنچه در عمل رخ داد با این وعده فاصله زیادی دارد. طبق اعلام وزارت نیرو محدودیت برق صنایع نه حذف شده و نه به صفر رسیده، بلکه تنها از دوروز به یک

روز در هفته کاهش یافته است؛ اما واقعیت این است که برخی صنایعی با قطعی هرروزه مواجه هستند، موضوعی که از نگاه فعالان اقتصادی، بیش از آنکه تحقق وعده دولت باشد، صرفاً تعدیل بخشی از محدودیت‌های گذشته است.



نیمایسهیلی

روزنامه نگار

قطعی‌های مکرر برق در ماه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین چالش‌های تولیدکنندگان تبدیل شده است. اگرچه صنایع در سال‌های گذشته نیز با خاموشی‌های برنامه‌ریزی شده دست و پنجه نرم می‌کردند، اما فعالان صنعتی معتقدند امسال دامنه‌و شدت این محدودیت‌ها افزایش یافته و خسارت بیشتری به خطوط تولید وارد کرده است. توقف ماشین‌آلات، کاهش ظرفیت تولید، افزایش هزینه‌های سربار، تأخیر در تحویل سفارش‌ها و از دست رفتن بازارهای داخلی و صادراتی تنها بخشی از پیامدهای خاموشی‌هایی است که بسیاری از کارخانه‌ها هر هفته با آن مواجه هستند. این وضعیت در حالی ادامه دارد که آمارهای رسمی شرکت‌توانیر نشان می‌دهد فشار بر شبکه برق نسبت به سال گذشته کاهش یافته است. براساس آمار، مثلاً روز دوشنبه هفته جاری (۵ مرداد)، پیک تقاضای برق کشور به ۷۳ هزار و ۵۸۲ مگاوات رسید؛ این در حالی است که پیک مصرف در روز مشابه سال گذشته ۷۴ هزار و ۵۹۷ مگاوات ثبت شده بود. به این ترتیب، اوج مصرف برق کشور نسبت به سال قبل حدود هزار مگاوات کاهش یافته است. کاهش پیک مصرف این انتظار را ایجاد می‌کرد که سهم بیشتری از برق به بخش تولید اختصاص یابد. وزارت نیرو نیز بارها اعلام کرده است هر میزان برق حاصل از صرفه‌جویی، به عنوان ظرفیت مازاد در اختیار صنایع قرار خواهد گرفت تا روند تولید با کمترین اختلال ادامه پیدا کند. با این حال، آنچه در عمل مشاهده می‌شود، تداوم خاموشی‌ها در شهرک‌های صنعتی است؛ مسئله‌ای که این پرسش را ایجاد می‌کند که اگر مصرف برق کاهش یافته و صرفه‌جویی نیز محقق شده، چرا صنایع همچنان نخستین قربانی ناترازی انرژی هستند؟ چندی پیش آرمان خالقی، دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران، اعلام کرد که قطعی برق واحدهای صنعتی به دوروز در هفته رسیده و حتی پیش‌بینی می‌شود همانند سال گذشته این محدودیت‌ها در ادامه به ساعات عصر تا نیمه‌شب نیز گسترش یابد. این اظهارات در حالی مطرح شد که دولت پیش از این از افزایش ۱۰ هزار مگاواتی ظرفیت تولید برق کشور خبر داده بود؛ افزایشی که انتظار می‌رفت دست‌کم فشار بر صنایع را

کاهش دهد.

با وجود این وعده‌ها، شهرک‌های صنعتی در هفته‌های گذشته با دوروز خاموشی مواجه بودند؛ موضوعی که بسیاری از تولیدکنندگان آن را مغایر با شعار حمایت از تولید می‌دانستند. این شرایط در حالی رقم خورد که مسعود پزشکیان، رئیس دولت چهاردهم، ۲۰ تیرماه اعلام کرده بود برق صنایع نباید در اولویت قطع قرار گیرد و دولت تلاش خواهد کرد کمترین فشار به واحدهای تولیدی وارد شود. عزت‌الله زارعی، سخنگوی این وزارتخانه، ۲۳ تیرماه اعلام کرد که میزان عدم‌النفع صنایع ناشی از ناترازی انرژی از حدود ۳۰۳ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ افزایش یافته است. این ارقام تنها بیانگر کاهش درآمد بنگاه‌ها نیست، بلکه از افت تولید، کاهش صادرات، تهدید اشتغال و افزایش هزینه‌های تولید نیز حکایت دارد.

پس از افزایش انتقادات، ۲۷ تیرماه وزاری صنعت، معدن و تجارت و نیرو در نشست مشترک برای کاهش محدودیت برق صنایع به توافق رسیدند. نتیجه این نشست آن بود که محدودیت برق شهرک‌های صنعتی از دوروز در هفته به یک‌روز کاهش یابد و برق واحدهای فولادی نیز با برنامه‌ریزی بهتری تأمین شود. اگرچه این تصمیم نسبت به وضعیت قبل بهبود نسبی محسوب می‌شد، اما همچنان فاصله زیادی با وعده حذف کامل خاموشی‌ها داشت.

چند روز بعد، رئیس‌جمهور در مراسم روز ملی صنعت و معدن بار دیگر بر حمایت از تولید تأکید کرد و گفت: «اگر کمبودی وجود دارد، نباید برق صنایع قطع شود؛ ما به مشکلات صنایع واقفیم و شرایط را به گونه‌ای مدیریت می‌کنیم که کمترین فشار به واحدهای تولیدی وارد آید. این سخنان بار دیگر امیدواری‌هایی را در میان تولیدکنندگان ایجاد کرد. در همان روز، نشستی سه‌ساعته با حضور رئیس‌جمهور، مسئولان وزارتخانه‌های نیرو و صنعت و نمایندگان بخش خصوصی برگزار شد و هفت تصمیم برای تأمین برق صنایع و پایداری تولید به تصویب رسید. پزشکیان در این نشست تمامی دستگاه‌های اجرایی را مکلف کرد با کاهش مصرف، حذف هزینه‌های غیرضرور و افزایش بهره‌وری، زمینه تأمین پایدار انرژی برای بخش تولید را فراهم کنند.

پس از این دستور، روز اول مردادماه نیز نشست هماهنگی مدیریت تأمین برق صنایع با حضور عباس علی‌آبادی وزیر

نیرو، سید محمد اتابک وزیر صنعت، معدن و تجارت، نمایندگان بخش خصوصی و به ریاست محمد جعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، برگزار شد. در پایان این نشست، مسئولان از اجرای یک برنامه عملیاتی مشترک خبر دادند و اعلام کردند که برق صنایع در مرداد و شهریور با هدف جلوگیری از توقف تولید، حفظ اشتغال و پیشگیری از بیکاری قطع نخواهد شد. اما تنها چند روز بعد، مشخص شد که این وعده به طور کامل اجرایی نشده است. مصطفی رجبی مشهدی اعلام کرد که با تأمین حدود ۴۰۰ مگاوات ظرفیت جدید، محدودیت برق صنایع مستقر در ۴۸ شهرک صنعتی معرفی شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت، از دوروز در هفته به یک‌روز کاهش یافته است. به عبارت دیگر، برق صنایع قطع نمی‌شود و طبق اعلام توانیر همچنان یک روز در هفته با محدودیت مواجه است. اما واقعیت این است که برخی صنایعی با قطعی هر روزه مواجه هستند، این اظهارات عملاً نشان داد وعده «عدم قطع برق صنایع» عملی نشد.

اکنون انتظار فعالان اقتصادی بیش از هر چیز، شفافیت در تصمیم‌گیری و پایبندی به وعده‌های اعلام شده است. اگر امکان تأمین کامل برق صنایع وجود ندارد، لازم است مسئولان با ارائه برنامه‌ای واقع‌بینانه، زمان‌بندی مشخص و اطلاع‌رسانی دقیق، امکان برنامه‌ریزی را برای واحدهای تولیدی فراهم کنند؛ چرا که تولیدکنندگان بیش از هر چیز از تصمیمات متناقض و وعده‌هایی که در عمل به نتیجه نمی‌رسد، آسیب می‌بینند. آنچه امروز از مجموعه تصمیمات دولت قابل مشاهده است، این است که وعده عدم قطع برق صنایع در مرداد و شهریور هنوز محقق نشده و تنها به کاهش محدودیت از دوروز به یک‌روز برای بخشی از شهرک‌های صنعتی انجامیده است. بنابراین، تا زمانی که شکاف میان وعده‌ها و واقعیت‌های اجرایی پرنشود، دغدغه صنایع درباره تأمین پایدار انرژی و تداوم تولید همچنان پابرجا خواهد ماند. اگر قرار بود برق صنایع در مرداد و شهریور قطع نشود، چرا اکنون مسئولان از کاهش خاموشی از دوروز به یک‌روز سخن می‌گویند؟ آیا وعده‌های اعلام شده بر اساس ظرفیت واقعی شبکه برق تنظیم نشده بود یا ناترازی انرژی همچنان به اندازه‌ای جدی است که اجرای کامل این تصمیم‌ها را غیرممکن کرده است؟

نبض اقتصاد

گندم‌کاران همچنان در انتظار پول؛ فقط ۳۰ درصد پرداخت شد

هر چند با افزایش سرعت پرداخت مطالبات گندم‌کاران، کشاورزانی که تا هشتم تیرماه امسال محصول خود را به مراکز خرید و سیلوهای دولتی تحویل داده‌اند، بخشی از مطالبات خود را دریافت کرده‌اند و مجموع پرداخت‌ها تاکنون به حدود ۱۱۲ هزار میلیارد تومان رسیده است.

مجید آنجفی، معاون امور زراعت وزارت جهاد کشاورزی، با اعلام عبور خرید تضمینی گندم از مرز ۷ میلیون تن، از افزایش سرعت پرداخت مطالبات گندم‌کاران خبر داد و گفت: براساس جمع‌بندی گزارش‌های استان‌ها، تولید گندم کشور به ۱۴ میلیون و ۱۰۰ هزار تن رسیده است، اما گزارش‌های رصدخانه وزارت جهاد کشاورزی رقمی بیش از ۱۵.۵ میلیون تن را نشان می‌دهد که در حال راستی‌آزمایی است. به گفته او، در صورت تأیید این آمار، رکورد تولید گندم کشور در ۱۵ سال گذشته شکسته خواهد شد. معاون وزیر جهاد کشاورزی ارزش گندم خریداری شده را حدود ۳۴۰ هزار میلیارد تومان برآورد کرد و گفت: تاکنون بیش از ۱۱۰ هزار میلیارد تومان، معادل حدود ۳۲ درصد مطالبات گندم‌کاران، پرداخت شده است. وی ابراز امیدواری کرد که ۵۰ همت دیگر نیز در روزهای آینده به حساب کشاورزان واریز شود.

عطاالله‌اشمی، عضو شورای قیمت‌گذاری و اتخاذ سیاست‌های حمایتی محصولات کشاورزی، نیز اعلام کرد که تاکنون حدود ۳۰ درصد مطالبات گندم‌کاران پرداخت شده است. وی گفت: از ابتدای فصل برداشت تاکنون حدود ۷ میلیون تن گندم به ارزش ۳۳۰ هزار میلیارد تومان از کشاورزان خریداری شده است. با این حال، به گفته هاشمی، هیچ تضمینی برای تداوم منظم پرداخت مطالبات وجود ندارد و باید منتظر ماند و دید که آیا میزان خرید تضمینی به حدود ۱۱ میلیون تن خواهد رسید یا خیر. هاشمی با تأکید بر اینکه ایران امسال علاوه بردستیایی به خودکفایی در تولید گندم، ظرفیت صادرات بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون تن گندم را نیز دارد، هشدار داد که تأخیر در پرداخت مطالبات می‌تواند پیامدهای منفی به همراه داشته باشد. وی یادآور شد مطابق قانون، مطالبات گندم‌کاران باید حداکثر ظرف ۴۸ ساعت پس از تحویل محصول پرداخت شود.

علی نیکزاد، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، در تشریح نشست مشترک با رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر جهاد کشاورزی و اعضای کمیسیون کشاورزی مجلس، از اتخاذ سه تصمیم مهم برای حمایت از گندم‌کاران خبر داد. به گفته وی، نخست مقرر شد ظرف ۱۵ روز با حضور وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان برنامه و بودجه درباره امهال وام‌های کشاورزان تصمیم‌گیری شود. دومین تصمیم، برگزاری نشست راهبردی برای بررسی و اصلاح مدیریت زنجیره گندم، آرد و نان با هدف رفع ریشه‌ای مشکلات این حوزه بود. نیکزاد گفت: براساس تصمیم اتخاذ شده، مقرر شد تا ۲۲ مردادماه میزان پرداخت مطالبات گندم‌کاران به ۲۱۰ هزار میلیارد تومان برسد و مجلس نیز اجرای این تعهد را با جدیت پیگیری خواهد کرد.

برق کشاورزان روزانه ۶ ساعت قطع می‌شود

پیمان عالمی، رئیس اتاق اصناف کشاورزی و منابع طبیعی ایران، از «قطعی روزانه ۶ ساعت برق کشاورزان و ۱۰۰ برابر شدن هزینه برق چاه‌های کشاورزی» خبر داد. او گفت: وزارت نیرو روزانه ۶ ساعت برق کشاورزان را قطع می‌کند و هزینه برق آن‌ها را ۱۰۰ برابر کرده است؛

ادامه این وضعیت، ۳۰ درصد بر تولیدات کشاورزی تأثیر می‌گذارد. در حالی که پیش از این، تعرفه برق چاه‌های کشاورزی هر کیلووات ساعت ۲۱ تا ۴۳ تومان بود، به گفته عالمی، از این ماه با تصمیم وزارت نیرو، ۸۰۰ تا ۸۶۸ تومان محاسبه می‌شود که

هزینه کشاورزان را سنگین‌تر می‌کند.

بین الملل

اقدام مقتدرانه و هوشمندانه قرارگاه علیه توطئه آمریکا

سرهنگ ابراهیم ذوالفقاری، سخنگوی قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) روز سه شنبه ۶ مرداد در واکنش به اظهارات ترامپ درباره برداشتن خسارت از محل دارایی های بلوکه شده ایران گفت: رئیس جمهور آمریکا در پی اقدامات تجاوزکارانه، و تلاش مستمر برای بی ثبات سازی منطقه اعلام کرده است خسارت شناورهای که در جریان جنگ تحمیلی علیه ایران اسلامی، به دلیل ایجاد ناامنی توسط ارتش آمریکا، و تخلف در عبور از مسیر غیرقانونی و ناامن جنوب تنگه هرمز آسیب دیده اند را، از محل دارایی های بلوکه شده ایران، پرداخت خواهد کرد.

سخنگوی قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء تاکید کرد: ضمن هشدار به رئیس جمهور جنایتکار آمریکا در خصوص تبعات این اقدام غیرقانونی، به همه شرکت ها و کشورهای که از پیشنهاد ترامپ استقبال کنند و از دارایی های بلوکه شده ایران، تحت این عنوان استفاده کنند، اعلام می داریم، از این به بعد، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، اجازه تردد به هیچ یک از شناورهای آن ها از تنگه هرمز را، نخواهند داد.

این موضع گیری را می توان یک اقدام هوشمندانه در چارچوب بازدارندگی دانست؛ زیرا در صورت عملی شدن پیشنهاد ترامپ و برداشت از دارایی های بلوکه شده ایران، عملاً یک رویه خطرناک در مصادره اموال یک کشور مستقل شکل می گیرد.



چگونه سوء محاسبه ارتش آمریکا را به باتلاق کشاند؟

برترین شکست تاریخ

جنگ با ایران، بدل به برترین شکست تاریخ ارتش آمریکا شده است، این اعتراف سایت تخصصی نظامی آمریکایی، یعنی برکینگ دیفنس Breaking Defense است. به باور این سایت، ایران دهه ها برای آرایش جنگی خود با آمریکا برنامه ریزی و پیش بینی کرده بود، اما آمریکا عملاً با سر به دام ایران افتاد.



که ایالات متحده به طور سیستماتیک به آن ها بی توجهی کرده یا هرگز توسعه شان نداده است؛ از جمله هواپیماهایی با ظرفیت حمل مهمات بالا که بتوانند برای مدت طولانی در ارتفاعات نسبتاً پایین گشت زنی کنند، پدافند های هوایی متحرک، و تسلیحات تولید انبوه برای دفاع از کشتی ها در برابر پهپادها و موشک های شلیک شده. این ها دقیقاً همان قابلیت هایی هستند که جنگ «اخلال» ایران می طلبید؛ و دقیقاً همان چیزهایی هستند که ایالات متحده نتوانست آن ها را در مقیاس وسیع به کار گیرد.

اصلی ترین نکته آن است که اصولاً آمریکا حتی از نظر شناختی متوجه نبود که ایده ایران برای جنگ چه بود «اما مشکل عمیق تر، یک چالش مفهومی و شناختی است. ایالات متحده با یک برنامه جامع و دقیق برای جنگ تخریب وارد این درگیری شد، اما هیچ برنامه جدی و مشخصی برای جنگ اخلال نداشت. آمریکا با موشک ها و پهپادهای ایرانی صرفاً به عنوان یک مزاحمت برخورد کرد که باید مدیریت می شد، در حالی که تصور می کرد کارزار اصلی در ارتفاعات بالاتر در جریان است. این محاسبه اشتباه، برتری هوایی بر فراز تهران را به ارمغان آورد، اما در شکست دادن دشمن در عرصه ای که واقعاً اهمیت داشت، ناکام ماند. درگیری های آینده نیز تفاوتی نخواهد داشت، مگر آنکه جنگیدن در کارزار اخلال به بخشی از سناریوی اصلی برنامه ریزی ها تبدیل شود، نه صرفاً یک دغدغه ثانویه در کنار جنگی که پنتاگون ترجیح می دهد وارد آن شود.»

دریایی آمریکا، به شدت پرهزینه و خطرناک کنند». برگ برنده ایران در سلاح اخلال هم پهپاد محبوب شاهد است «سلاح اصلی ایران برای جنگ «اخلال»، پهپاد شاهد بود. بر اساس استانداردهای آمریکایی، این سلاح به سختی قابل اعتناست؛ پهپادی کند، با ارتفاع پروازی پایین و قابلیت انهدام آسان که به جای صدها میلیون دلار، تنها ده ها هزار دلار قیمت دارد. با این وجود، همین پهپادها تاسیسات راداری و مراکز فرماندهی و کنترل بسیار گران قیمت تری را نابود کردند، در تولید نفت اختلال ایجاد نمودند و بنادر و فرودگاه ها را در سراسر منطقه هدف قرار دادند».

این رویکرد ایران عملاً حاصل سال ها انباشت تجربه بود «تهران تصادفی به این نقطه نرسید. ایران این رویکرد را سال ها از طریق حملات حوثی ها در دریای سرخ و عملیات شبه نظامیان در عراق آزمایش و اصلاح کرده بود؛ و آموخته بود که چگونه سیستم های ارزان قیمت و یک بار مصرف می توانند هزینه هایی نامتناسب و به مراتب گزاف تر را به دشمن تحمیل کنند. این کشور نظاره گر آن بود که پهپاد های ۲۰ هزار دلاری اش پس از ارسال به روسیه چگونه ارزش خود را به اثبات رساندند. بنابراین، زمانی که این درگیری آغاز شد، ایران از پیش می دانست چه روشی کار ساز است».

نکته این گزارش آن است که زرادخانه ایران دقیقاً در جهتی رشد کرد که ارتش آمریکا از آن جهت دچار خلاء بود «پر کردن این خلأ نیازمند قابلیت هایی است

به گزارش این وبسایت، ایران با ایده دفاع نامتقارن، عملاً برنده جنگ اخلال بود «ایالات متحده به طور هم زمان درگیر دو جنگ هوایی بود: یکی جنگ «تخریب» (ویرانگری) و دیگری جنگ «اخلال». اما آمریکا همان جنگی را باخت که از همه مهم تر بود. با این وجود، ایران توانست تنگه هرمز را عملاً بسته نگه دارد. جنگ هوایی دوم این نتیجه را رقم زد؛ جنگی نه از جنس تخریب، بلکه از جنس اخلال، که هزینه های روانی و اقتصادی را تا جایی به طرف مقابل تحمیل می کند که ادامه جنگ از نظر سیاسی غیر قابل تحمل شود».

به نوشته این سایت، ایران عملاً تلاش کرد تا دستاوردهای آمریکا در نبرد تخریب را بی اهمیت کند و در نهایت احساس شکست به این کشور بدهد «از همان روز نخست این درگیری، هدف پهپادها و موشک های ایران، جلوگیری از برتری هوایی آمریکا بر فراز تهران نبود، بلکه هدفشان بی اهمیت جلوه دادن این برتری بود. تهران که تا حد زیادی ارتفاعات بالا را واگذار کرده بود، تمرکز نظامی خود را به سمت پایین و به «کرانه هوایی»، یعنی حریم هوایی ارتفاع پایین بر فراز و در اطراف تنگه هرمز معطوف کرد؛ جایی که پهپادها و موشک های ارزان قیمت توانستند تردد در مهم ترین گذرگاه انرژی جهان را هم برای کشتی های تجاری و هم برای نیروی



واشنگتن

در تله

ایالات متحده با یک برنامه جامع و دقیق برای جنگ تخریب وارد این درگیری شد، اما هیچ برنامه جدی و مشخصی برای جنگ اخلال نداشت. آمریکا با موشک ها و پهپادهای ایرانی صرفاً به عنوان یک مزاحمت برخورد کرد که باید مدیریت می شد. این محاسبه اشتباه، برتری هوایی بر فراز تهران را به ارمغان آورد، اما در شکست دادن دشمن در عرصه ای که واقعاً اهمیت داشت، ناکام ماند.

یادداشت

توقف آتش یا فرصت تنفس به دشمن؟

محسن پوردادفر
روزنامه نگار

وقتی واشنگتن از توقف آتش سخن می گوید و نه آتش بس، در واقع بیش از آنکه به دنبال پایان درگیری باشد، در پی خریدن زمان برای بازسازی توان نظامی خود است. تفاوت این دو مفهوم صرفاً یک بازی لفظی نیست. آتش بس به معنای توافقی متقابل برای پایان محاصره است، اما توقف آتش، تصمیمی یک جانبه و موقتی است که هر لحظه می تواند به اراده طرف مقابل پایان یابد. تجربه رفتار آمریکا در منطقه نیز نشان داده است که این کشور هرگاه در موضع ضعف قرار گرفته، از تاکتیک وقفه عملیاتی برای ترمیم توان خود بهره برده و پس از بازیابی ظرفیت، دوباره به مسیر فشار و تهدید بازگشته است.

شواهد منتشر شده در رسانه های آمریکایی نیز نشان می دهد که امروز واشنگتن بیش از هر زمان دیگری با محدودیت های جدی در حوزه تسلیحات پدافندی و رهگیرهای موشکی روبه رو است. گزارش شبکه «ان بی سی نیوز» از تصمیم فرماندهان ارتش آمریکا برای رهگیری گزینشی موشک ها و پهپادهای ایرانی، اعترافی آشکار به این واقعیت است که پنتاگون دیگر توان مصرف بی محابای ذخایر خود را ندارد. اینکه فرماندهان آمریکایی ناچار شده اند برخی موشک ها را صرفاً به دلیل حفظ موجودی رهگیرها نادیده بگیرند، نشانه ای از فرسایش توان دفاعی ایالات متحده است، نه یک انتخاب تاکتیکی معمول.

همزمان، گزارش های منتشر شده از سوی رسانه های آمریکایی حاکی از آن است که نگرانی درباره کاهش ذخایر موشک های پاتریوت و دیگر سامانه های دفاع هوایی، به یکی از مهم ترین دغدغه های کاخ سفید تبدیل شده است. حتی گزارش ها از هشدار فرماندهان ارشد نظامی آمریکا به رئیس جمهور این کشور درباره پیامدهای ادامه جنگ و کاهش ذخایر تسلیحاتی حکایت دارد؛ هشدار که نشان می دهد مسئله، صرفاً محاسبات سیاسی نیست، بلکه محدودیت های میدانی نیز در تصمیم گیری واشنگتن نقش تعیین کننده یافته است.

در چنین شرایطی، هرگونه کاهش فشار بر آمریکا، در عمل به معنای اعطای فرصت برای ترمیم همین نقاط ضعف خواهد بود. اگر طرف مقابل به دلیل کمبود مهمات، فرسایش سامانه های دفاعی و نگرانی از گسترش هزینه های جنگ، ناچار به توقف عملیات شده است، عقل راهبردی حکم می کند که این فشار حفظ شود، نه اینکه با پذیرش یک وقفه یک جانبه، امکان بازسازی ظرفیت های از دست رفته در اختیار او قرار گیرد.

در معادلات راهبردی، ابتکار عمل متعلق به طرفی است که زمان را به سود خود مدیریت کند. اگر توقف آتش تنها هنگامی اجرا شود که آمریکا آن را ضروری بداند و هر زمان نیز اراده کرد دوباره آتش جنگ را شعله ور سازد، نتیجه چیزی جز تبدیل شدن زمان به ابزاری در خدمت واشنگتن نخواهد بود. از این منظر، هرگونه تصمیم درباره کاهش یا ادامه فشار باید بر پایه منافع و محاسبات مستقل اتخاذ شود، نه بر اساس نیازهای مقطعی طرف مقابل. تجربه نیز نشان داده است که در برابر قدرتی که توقف آتش را تاکتیکی برای بازیابی توان خود می داند، حفظ اهرم های فشار، بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا می کند.

یادداشت

وقتی عطش مذاکره،
بازار نفت را آرام می‌کندامیرشهبانی
روزنامه‌نگار

حمله یمن به تأسیسات نفتی بقیق عربستان، در شرایط عادی باید یکی از مهم‌ترین شوک‌های انرژی در بازار جهانی محسوب می‌شد. بقیق به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراکز فرآورش نفت جهان و مبدا یکی از بزرگ‌ترین خطوط لوله انتقال نفت (شرق به غرب عربستان) نقشی کلیدی در ظرفیت تولید و صادرات نفت این کشور دارد. تعطیلی یا اختلال در فعالیت چنین زیرساختی، به طور طبیعی باید نگرانی معامله‌گران درباره کاهش عرضه و افزایش قیمت نفت را تشدید کند. اما بازار این بار رفتاری کاملاً معکوس نشان داد: به جای جهش، قیمت نفت بیش از ۸ درصد سقوط کرد.

برای فهم این تناقض، کافی است تجربه حمله سال ۲۰۱۹ به همین مجموعه را مرور کنیم. در آن مقطع، حمله به بقیق به کاهش موقت حدود ۵.۷ میلیون بشکه از ظرفیت فرآورش روزانه منجر شد و قیمت نفت در یک روز نزدیک به ۲۰ درصد افزایش یافت. این بار نیز حمله به زیرساختی با ظرفیت حدود ۷ میلیون بشکه، از نظر ماهیت، می‌توانست شوکی بزرگ‌تر یا دست‌کم مشابه ایجاد کند؛ اما آنچه مسیر بازار را تعیین کرد، نه واقعیت میدانی و تهدید عرضه، بلکه پیام سیاسی و رسانه‌ای مخابره‌شده از موضوع مذاکرات پنهان آمریکا با ایران بود.

انتشار گسترده اخبار مربوط به گفت‌وگوهای ایران و آمریکا، پیشرفت مذاکرات عمان و بازگشایی قریب‌الوقوع تنگه هرمز، به بازار این سیگنال را داد که تنش منطقه‌ای در حال کاهش است و خطر اختلال پایدار در صادرات انرژی از میان خواهد رفت. در نتیجه، معامله‌گران به جای تمرکز بر تعطیلی بقیق، روی چشم‌انداز کاهش تنش و افزایش دسترسی به نفت متمرکز شدند. به بیان دیگر، بازار نه براساس خسارت واردشده به تأسیسات عربستان، بلکه براساس تصویری که مسئولان ارشد مذاکرات از قابلیات و پزشکیان تا دستگاه دیپلماسی ایران از آینده بحران ترسیم کرد، قیمت‌گذاری شد.

این اتفاق نشان می‌دهد که جنگ رسانه‌ای، بخشی فرعی و تبلیغاتی از منازعات امروز نیست؛ بلکه مستقیماً بر محاسبات اقتصادی و قدرت چانه‌زنی کشورها اثر می‌گذارد. پیام‌های خوش‌بینانه و زود هنگام، نه تنها طرف مقابل را برای دادن امتیاز تحت فشار قرار نمی‌دهد، بلکه به واشنگتن امکان می‌دهد آثار اقتصادی بحران را مدیریت کند. ترامپ و دولت آمریکا به خوبی می‌دانند که افزایش قیمت نفت می‌تواند هزینه‌های سیاسی و اقتصادی سنگینی ایجاد کند. از این منظر، مخابره خبر کاهش تنش و احتمال بازگشایی هرمز، عملاً به مهار بازار و کاهش فشار ناشی از حمله به زیرساخت نفتی عربستان کمک کرد؛ آن‌هم در شرایطی که هنوز توافق نهایی و تضمین‌شده‌ای شکل نگرفته بود.

اصل مهم
در جنگ

قدرت نظامی،
دیپلماسی و
تصمیم‌سیاسی
باید در یک مسیر
هماهنگ حرکت
کنند. اما این
هماهنگی زمانی
نتیجه‌بخش است
که هیچ‌کدام جای
دیگری را نگیرد
و مهم‌تر از همه،
اختیار امنیت و دفاع
کشور در دست
محاسبات طرف
مقابل قرار نگیرد.
جنگ را کسی پیروز
می‌شود که اراده
خود را تحمیل
کند، نه کسی که
منتظر حرکت بعدی
دشمن بماند.

کلید آغاز جنگ یا اعلام آتش‌بس دست واشنگتن است و این رویه غلط باید تغییر پیدا کند

ابتکار عمل را پس بگیرد

این است که آیا روند جنگ و آتش‌بس باید براساس منافع و محاسبات ایران تعیین شود، یا بر مبنای تصمیمات و تاکتیک‌های طرف مقابل؟ چرا ایران برای تغییر روند اشتباه حاکم اراده جدی نشان نداده است؟

جنگ، میدان اراده‌هاست؛ هر طرفی که بتواند ابتکار عمل را در دست بگیرد، شانس بیشتری برای تحمیل خواسته‌های خود خواهد داشت. در چنین شرایطی، یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که پس از تحولات اخیر مطرح شده



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

ابزاری برای پایان دادن به درگیری، بلکه به عنوان فرصتی برای بازسازی توان، تنظیم آرایش نیروها و طراحی مرحله بعدی استفاده کرده است. از همین رو، پذیرش توقف درگیری بدون تضمین‌های روشن و بدون تغییر در رفتار طرف مقابل می‌تواند به جای کاهش تهدید، زمینه بازگشت دوباره آن را فراهم کند.

موضوع زمانی حساس‌تر می‌شود که پس از آتش‌بس، اقداماتی مانند فشار اقتصادی، تهدیدهای امنیتی یا محدودیت‌های دریایی علیه ایران دنبال شود. در چنین شرایطی این پرسش مطرح است که آیا آتش‌بس بدون تغییر در رفتار دشمن، صرفاً به یک وقفه یک‌طرفه تبدیل نمی‌شود؟

نکته اساسی اینجاست که در عرصه نبرد، ابتکار عمل صرفاً به تعداد تجهیزات یا توان نظامی محدود نمی‌شود؛ بلکه به توان تصمیم‌گیری مستقل، سرعت واکنش و تحمیل هزینه به طرف مقابل نیز وابسته است. کشوری که منتظر تصمیم دشمن بماند تا بداند چه زمانی بجنجد و چه زمانی متوقف شود، عملاً بخشی از اختیار میدان را واگذار کرده است.

البته دفاع از امنیت کشور به معنای جنگ‌طلبی نیست. اتفاقاً هدف اصلی قدرت بازدارنده این است که دشمن را از آغاز جنگ منصرف کند. اما بازدارندگی زمانی معنا پیدا می‌کند که طرف مقابل بداند هر اقدام خصمانه‌ای هزینه فوری و جدی خواهد داشت و نمی‌تواند با تغییر تاکتیک، زمان بخرد.

مشکل اصلی زمانی ایجاد می‌شود که دشمن پس از هر توقف، فرصت سازماندهی دوباره پیدا کند و طرف مقابل صرفاً به صدور هشدار و واکنش‌های سیاسی بسنده کند. در این حالت، دشمن ممکن است آتش‌بس را نه پایان بحران، بلکه مرحله‌ای از مدیریت بحران به نفع خود ببیند.

تحولات اخیر این پیام روشن دارد که ایران نباید اجازه دهد قواعد بازی توسط واشنگتن نوشته شود. اگر قرار است آتش‌بس یا توقف درگیری رخ دهد، باید مبتنی بر محاسبات ایران، تضمین‌های واقعی و تغییر رفتار دشمن باشد؛ نه اینکه آمریکا پس از رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت خود، زمان تنفس بگیرد و دوباره ابتکار عمل را به دست آورد.

سیاست خارجی

لایحه جدید سنای آمریکا برای تحریم ایران

گروهی از سناتورهای آمریکایی از هر دو حزب این کشور روز گذشته از توافق بر سر لایحه‌ای خبر دادند که به واشنگتن اجازه می‌دهد محدودیت‌های بیشتری را بر خریداران عمده انرژی روسیه و ایران اعمال کند. به گزارش بلومبرگ، این لایحه تحریم‌ها علیه ایران را تمدید کرده و صادرات گاز و نفت روسیه را هدف قرار می‌دهد.

این قانون، قانون تحریم‌های ایران مصوب سال ۱۹۹۶ را تا سال ۲۰۳۱ تمدید می‌کند. طرح مذکور، تحریم‌های اقتصادی ثانویه را بر شرکت‌های غیرآمریکایی که با ایران تجارت می‌کنند اعمال می‌کند، تحریم‌هایی که قرار بود امسال منقضی شود. رأی‌گیری مقدماتی لایحه برای صبح روز چهارشنبه برنامه‌ریزی شده است.

آمریکا در چارچوب یادداشت تفاهم اسلام‌آباد متعهد شده بود که در طول دو ماه مذاکرات با ایران تحریم‌های جدیدی علیه تهران اعمال نکند، اما تاکنون چندین تحریم دیگر را علیه افراد و نهادهای مرتبط با ایران اعلام کرده است. تیم مذاکره‌کننده کشورمان هم وعده داده بود در نهایت تفاهم اسلام‌آباد به رفع همه تحریم‌های اولیه و ثانویه منتج می‌گردد اما هیچ‌کدام از این وعده‌ها محقق نشده است و هر بار دشمن با بدعهدی جدیدتر، خوش‌بینان داخلی به مذاکره با رژیم جنایت‌کار آمریکا را غافلگیر می‌کند. اکنون باید دید کسانی که خواب بیدار خواهند شد؟



یادداشت

«کوری» عصاکش کور دگر

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

می‌گویند کسانی که پول می‌دهند، باید بتوانند محتوای دلخواه خودشان را در پلتفرم‌ها و سرویس‌های پخش استریم تماشا کنند. از آن سو اگر کمترین نقدی هم به این آثار و تولیدات وارد شود، با برچسب‌هایی نظیر «گروه فشار»، «کم‌خرد» و «بیسواد» به استقبال منتقدین می‌روند و دمار از روزگارشان درمی‌آورند.

اگر هم نتوانند جلوی انتشار و بیان دو کلمه حرف حساب را بگیرند، تمام تلاش خود را به کار می‌بندند تا روال طبیعی زندگی فرد منتقد را مختل کنند. باری، اکنون که سه قسمت از انتشار سریال کوری گذشته با صراحت می‌توان گفت که این اثر در حال توریزه کردن می‌خوراکی مجاز در میان افشار و طبقات مختلف است و تمام هم و غمش هم به کار بسته تا تمایل به مشروب خوری را در دل یک جنگ تمدنی با آمریکا به نمایندگی از غرب جا بیندازد.

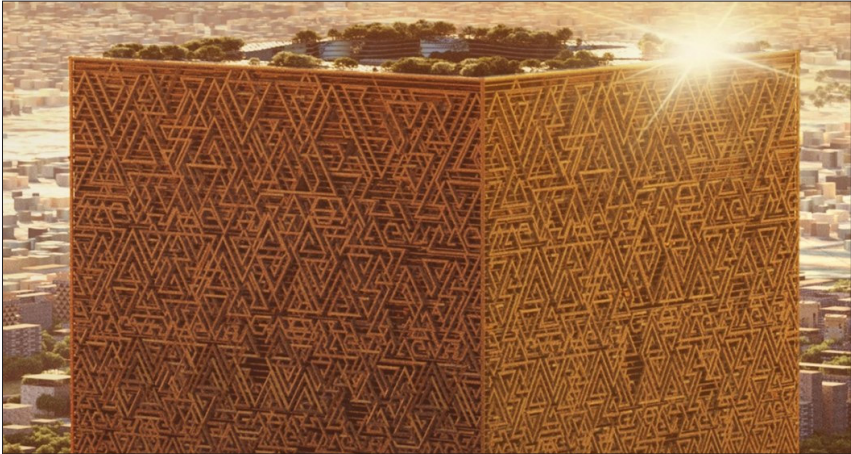
در واقع با تماشای سریال درمی‌یابیم که فیلمساز برای نقد شرب خمر وارد این حوزه نشده، بلکه تمام حرفش این است که اگر می‌خواهید کور نشوید، آب شنگولی مورد نظر را از ساقی مطمئن بگیرید، به‌طوریکه در هیچ سکانس، نما و فریمی از کوری چیزی جز این به مخاطب منتقل نمی‌شود. این اما فقط لایه بیرونی ماجراست و اگر ما می‌خواهیم میان سسطور را مورد بررسی قرار دهیم باید دوربین خود را به جای دیگری از ماجرا ببریم و از زاویه‌ای بازتر به میزاسن مورد نظر نگاه بیندازیم. ساخت و عرضه سریال کوری توسط سازمان هنری رسانه‌ای اوج صورت گرفته است ولی نه‌تنها اثر هیچ علاقه‌ای به درام‌تیزه کردن میانی اعتقادی مردم و ارشاد ایشان برای قبول حکمرانی فرهنگی ساختار حاکم ندارد، بلکه در راه ترویج فعل حرام از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کند. انتشار این سریال حلقه‌ای ولو کوچک از زنجیره عادی‌سازی است؛ چیزی که بسیاری از عقلای جمع و خواص جامعه در پذیرش آن هیچ شکی در قبول آن به دل راه نمی‌دهند و با سرعت به سمت مقصدشان که همان تبدیل کردن ایران اسلامی به نماینده آکرودیته غرب است حرکت می‌کنند.

آن‌ها البته نمی‌دانند یا نمی‌خواهند به خاطر منافع زودگذر مادی‌شان این واقعیت را قبول کنند که گفتمان «قدرت ایران» با اباحه‌گری و برون‌سپاری فرهنگ و تمدن اسلامی به شبکه‌ای از پلتفرم‌ها و آدم‌های ناوارد باشکست مواجه خواهد شد.

محاصره دریایی حوثی‌ها، خرید ۲ میلیارد دلاری سلاح و افت درآمد نفتی؛ سه عنصر تاثیرگذار در پروژهای فرهنگی ریاض

رویای فرهنگی بن سلمان به باد می‌رود؟

کرده است. در این میان، طرح‌های فرهنگی و سرگرمی که ستون اصلی برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ محمد بن سلمان بودند، از مکعب ریاض تا موسم‌های فصلی، در معرض تردید قرار گرفته‌اند؛ روندی که حتی به سرمایه‌گذاری کلان سعودی در هالیوود و پرونده جنجالی خرید برادران وارنر نیز سرایت کرده است.



سعید مصباح
روزنامه‌نگار

جنگ یمن هنوز برای ریاض تمام نشده است و بار دیگر به مرحله‌ای حساس رسیده است. حوثی‌های یمن در اواخر تیرماه اعلام کردند محاصره دریایی علیه عربستان را در تنگه باب‌المندب اجرامی‌کنند؛ اقدامی که پس از پایان آتش‌بس چهارساله و در واکنش به آنچه محاصره ریاض بر مناطق تحت کنترل حوثی‌ها می‌خوانند، رخ داد. این‌تنگه که حدود دوازده درصد تجارت جهانی از آن عبور می‌کند، برای صادرات نفت سعودی حیاتی است. وزارت خارجه سعودی این ادعا را رد کرده اما اعلام کرده تمام تدابیر لازم را برای حفاظت از کشتی‌هایش اتخاذ می‌کند. همزمان، وزارت خارجه آمریکا فروش تجهیزات دفاع هوایی به ارزش تقریبی ۱.۹۶ میلیارد دلار به عربستان را تایید کرده است؛ بسته‌ای شامل بیست هزار سامانه هدایت دقیق راکت که قرار است توسط شرکت بی‌ای‌سیستمز تامین شود. این خرید، در بحبوحه تشدید حملات موشکی و پهپادی حوثی‌ها به فرودگاه‌های جنوب عربستان صورت می‌گیرد. از سوی دیگر، افت قیمت نفت و فشارهای مالی، صندوق سرمایه‌گذاری عمومی با دارایی نزدیک به ۹۲۵ میلیارد دلار را وادار به بازنگری در پروژه‌های نمادین کرده است. در ژانویه امسال، ساخت «مکعب»، یعنی سازه مکعبی ۴۰۰ در ۴۰۰ متری در قلب ریاض که قرار بود بزرگ‌ترین نمایشگر هوش مصنوعی جهان را در خود جای دهد، پس از پیشرفت هشتاد و شش درصدی عملیات خاکبرداری، متوقف شد. میزبانی بازی‌های زمستانی آسیایی ۲۰۲۹ در تروجینا نیز به تعویق افتاد. کانون توجه اکنون به سمت پروژه‌هایی با بازگشت سرمایه سریع‌تر مانند اکسپو ۲۰۳۰ و جام جهانی ۲۰۳۴ معطوف شده است. این بازنگری، آینده رویدادهای فرهنگی و سرگرمی تحت مدیریت ترکی آل‌شیخ، رئیس هیئت سرگرمی عربستان، از جمله مواسم ریاض و جدّه را نیز با ابهام روبه‌رو کرده؛ هرچند آل‌شیخ همچنان بالحنی خوش‌بینانه از تبدیل شدن خلیج فارس به غول گردشگری و سرگرمی جهان سخن می‌گوید. بحران مالی به ماورای مرزهای سعودی و حتی هالیوود هم رسیده است. صندوق سرمایه‌گذاری عمومی

یادداشت

مترجم ادیسه:

فیلم نولان شرم‌آور است

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

در روزهای اخیر، موج جدیدی از انتقادات تند علیه ماشین فیلمسازی هالیوود و رویکرد آن به متون کلاسیک به راه افتاده است که جرقه آن با مصاحبه جنجالی امیلی ویلسون زده شد. ویلسون، استاد برجسته مطالعات کلاسیک دانشگاه پنسیلوانیا و نخستین زنی که با ترجمه دقیق «ادیسه» هومر در سال‌های اخیر نامش با این حماسه گره خورده است، در اظهارنظری بی‌سابقه، رویکرد پروژه سینمایی جدید کریستوفر نولان در اقتباس از این متن را اثری «شرم‌آور» و تقلیل‌گرایانه توصیف کرد. او با حمله مستقیم به فرمالیسم افراطی و نگاه مکانیکی نولان، تاکید دارد که تقلیل دادن سفر پررنج و روانشناختی ادیسه به مجموعه‌ای از جلوه‌های بصری پیچیده، بازی با زمان و مفاهیم فیزیkal، نه تنها خیانت به هومر است، بلکه نشان‌دهنده فقر درک فلسفی در سینمای جریان اصلی آمریکاست.

از منظر مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناختی، عصبانیت این مترجم کهنه‌کار کاملاً قابل درک است، چرا که هالیوود امروز بر پایه استانداردهایی بنا شده که در آن ابعاد پیچیده روان‌شناختی و سفر درونی سوژه، فدای فرمول‌های گیشه و ترویج انحراف‌های مختلف می‌شود.

ادیسه هومر روایتی از فقدان، وسوسه و مواجهه انسان با طبیعت و هستی است، اما وقتی در چرخ‌دنده‌های استودیوهای هالیوودی و فیلمسازی مانند نولان قرار می‌گیرد، برای جهانی‌سازی و تبدیل شدن به محصولی راحت‌الحلقوم برای مصرف‌کننده، از عمق فلسفی خود تهی و اخته می‌شود. در حاشیه این مصاحبه، واکنش‌های منفی گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی و محافل نقد فیلم شکل گرفته است و بسیاری از پژوهشگران مستقل، این اتفاق را نشانه‌ای از «فروپاشی فرهنگی» در غرب می‌دانند.

وقتی یک سیستم تمدنی نتواند متون بنیادین خود را بدون تحریف‌های سرمایه‌دارانه بازتولید کند، یعنی در خوانش انتقادی از خود به بن‌بست رسیده است و هیچ ابایی از ذبح میراث فرهنگی‌اش ندارد. در نهایت، مخالفت تند ویلسون فریاد اعتراضی است علیه صنعتی که در آن تکنیک بر انسان و سودآوری بر ارزش‌های انسانی سایه انداخته و حماسه‌ها را به کالایی لوکس در ویترین صنعت سرگرمی تنزل داده است.



انیمیشن سینمایی «افسانه سپهر» به تهیه‌کنندگی مهدی جعفری جوزانی و کارگردانی مشترک عماد رحمانی و مهرداد محرابی، در ادامه روند رو به رشد حضور انیمیشن‌های ایرانی در بازارهای جهانی، از اواخر مرداد

اکران «افسانه

سپهر» در روسیه